



اساس سوسیالیسم انسان است
چه در ظرفیت جمعی و چه فردی.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

۲۱۲

برای

یک دنیای بهتر

نشریه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

Weekly publication of Worker - communism Unity Party

سر دبیر: سیاوش دانشور e.mail: siavash_d@yahoo.com چهارشنبه ها منتشر میشود ۲۰ جولای ۲۰۱۱ - ۲۹ تیر ۱۳۹۰

اطلاعیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

مضحکه انتخابات رژیم اسلامی را بر سرشان خراب کنیم!



درباره انتخابات مجلس شورای اسلامی

مصاحبه با منصور حکمت

رادیو انترناسیونال ۱۷ دیماه ۱۳۷۸

رادیو انترناسیونال: انتخابات مجلس به مهمترین مساله سیاسی برای جمهوری اسلامی بدل شده است. دعوای جناح ها در آستانه این انتخابات بشدت بالا گرفته است، و تلاشهای رهبران جمهوری اسلامی برای کاهش این اختلافات و یا جمع کردن آن از جلوی صحنه و راندن آن به پشت پرده نتیجه چندانی نداد. از نظر رژیم این انتخابات حکم یک "آزمایش تاریخی" مهم را دارد. بنظر شما نقش سیاسی این انتخابات در زندگی مردم چیست؟ و شیوه برخورد مردم به انتخابات آتی مجلس چگونه باید باشد؟



در حاشیه هفته، علی جوادی

آزادی، عدالت اجتماعی، نان
تورهای نامرئی اطلاعات رژیم
سرنگونی دولت بشار اسد و موقعیت رژیم

سرگیجه جریان موسوم به حکمتیست از دولت موقت و رفراندم تا سندیکالیسم!

صفحه ۶

کامران پایدار



گزارش از زندانهای دیپورتی در هلند و وضع اسفناک پناهجویان!

صفحه ۸

علی ظاهری

کارگران مترو تهران

3 ماه دستمزد معوق!

کنفرانس حزب در هلند

برگزار میشود!

سازمان نوسازی آموزش

و پرورش تهران

دزدی از مبالغ اضافه کاری کارکنان!

کارگران سد کارون ۴

خوزستان

حقوقهای معوق خرداد ماه

صفحه ۲

درباره انتخابات مجلس شورای اسلامی ...

فراخوان ما اینست که بیشترین حضور در صحنه را از الان بویژه تا روز انتخابات را باید داشت. چون این میتواند کاملاً بر تناسب قوای حکومت تاثیر بگذارد، میتواند کاملاً دست پاچه شان کند، میتواند تمام جناح ها را به عقب نشینی در مقابل مردم وادارد.

این روند دو تا جناح و دو طرف ندارد، سه طرف دارد. دو جناح حکومت و مردم که در مقابل کل اینها هستند. و مردم باید از موضع مستقل خود علیه دو جناح، علیه حکومت به میدان بیایند.

بهمن ۱۳۷۸ - ژانویه ۲۰۰۰

اعتراض کنند و کلیت رژیم را زیر سوال ببرند. و روز انتخابات با عدم شرکت در رای گیری دشمنی و بیزاری شان را از این رژیم به نمایش بگذارند. همانطور که گفتیم انتخاب واقعی مردم اینست که جمهوری اسلامی را نمیخواهند و اینها هیچوقت این سوال را جلوی مردم نمیگذارند.

در غیاب رفتن جمهوری اسلامی، در غیاب خلاصی از کل جمهوری اسلامی، هر انتخابات و هر روند انتخاباتی در جمهوری اسلامی روندی است برای مشروعیت دادن به جمهوری اسلامی و این یا آن جناح آن و مردم نباید در آن شرکت کنند.

آثار منصور حکمت را بخوانید!

برای هر کارگر و کمونیستی که به برپائی جامعه ای سوسیالیستی فکر میکند و آن را امری مبرم و ممکن میداند، منصور حکمت یک گنجینه غنی آموزش است.

<http://hekmat.public-archive.net/>
www.m-hekmat.com/

تمام فلاسفه تاکنون جهان را تفسیر کرده اند، حال آنکه مسئله بر سر تغییر آنست!

کارل مارکس

۱- روندی که در آن صلاحیت همدیگر را سلب میکنند، یعنی ممانعت از کاندید شدن جناح مختلف، کاندیدهای جناح های مختلف و رقابتی که بر سر این وجود دارد تا حدودی سرنوشت ترکیب مجلس بعدی را تعیین میکند.

۲- معامله و بند و بست میان جناح ها در دل دوره پیش از انتخابات برای تعیین اینکه چه کسانی میتوانند به مجلس راه پیدا کنند. به این اعتبار روز انتخابات روز مهمی نیست. اما از حالا تا انتخابات برای تعیین سرنوشت مجلس مهم است ولی روز خود انتخابات روز مهمی نیست و آن رای ها شمرده نمیشود و روز انتخابات تکلیف مجلس از قبل تعیین شده است.

از نظر مردم، شرکت در این انتخابات، یعنی شرکت در رای گیری، پوچ و بی معناست، و باید تحریم شود. نه فقط این رای بیهوده است، بلکه حتی اگر شمرده میشد، انتخاب بین بد و بدتر هم نبود، انتخاب بین بدتر و بدتر بود. هیچکدام از این جناح ها صلاحیت حکومت در ایران را ندارند. هیچکدام از این جناح ها نیست که رگه ای از دفاع از منافع مردم داشته باشد. برعکس، بخش های یک حکومت سرکوبگر در ایران هستند، ستون های جمهوری اسلامی هستند که کلاً مورد اعتراض مردم است.

واقعیت این است که حتی چرخیدن توازن قوای درونی جناحها در مجلس آتی به این سمت تابعی از این است که مردم بروند و در این صحنه به کلیت رژیم اعتراض کنند. اگر بنا باشد مردم بروند به خاتمی و نمایندگان طرفدار خاتمی رای بدهند، رفته اند به زندانیان خودشان و جلادان خودشان رای داده اند. راه درست اینست که مردم در این فاصله، از الان تا روز انتخابات، بیشترین دخالت اعتراضی را در صحنه سیاسی ایران بکنند، حرف مستقل خودشان را بزنند، حق خودشان را بخواهند و به هر دو جناح فشار بیاورند و

اگر بنا باشد انتخابی جلوی مردم قرار بگیرد، یک انتخاب واقعی میتواند این سوال باشد که جمهوری اسلامی را میخواهید یا نه؟ و من مطمئن هستم که ۹۹ درصد مردم رای میدهند که جمهوری اسلامی را نمیخواهیم.

اطلاعیه حزب اتحاد کمونیسم کارگری

مضحکه انتخابات رژیم اسلامی را بر سرشان خراب کنیم!

انتخابات مجلس رژیم اسلامی در راه است و از هم اکنون باندهای رژیم برای تعیین سهم خود و محدود کردن و حذف رقبا به شدت فعال شده و به جان یکدیگر افتاده اند. باند خامنه ای و جناح راست "اصولگرای" رژیم بدنبال بیشترین سهم در این مضحکه انتخاباتی است. خواهان کسب هژمونی مطلق و بدنبال یکدست کردن مجلس اسلامی اند. در عین حال از رقبای خود میخوانند که "تنور" انتخاباتی شان را "گرم" کنند. باند احمدی نژاد مشغول جمع کردن نیرو برای جدلهای بزرگتر آتی است. مشغول لشکر کشی اند. جناح اصلاح طلب حکومتی در حال چرتکه انداختن است که بالاخره چه سیاستی اتخاذ کنند. مترصدند! آیا میتوانند کماکان سهمی از ارکان حکومت اسلامی را برای خود داشته باشند؟ در وضعیت کاملاً استیصال آمیزی قرار دارند. جناح راست خواهان ذلت و حقارت کاملشان است. تسلیم تمام و کمال و اظهار ندامت شرط حضورشان در این نمایش مضحک است. شرطی که در عین حال متضمن اضمحلال و زوال کاملشان است.

اما این تمام واقعیت نیست. تمامی شان میدانند که با وضعیت متفاوتی روبرو هستند. "کابوس انتخاباتی" کلام گویاتری برای بیان این وضعیتشان است. هراسشان از این است که میدانند به ته خطر رسیده اند. میدانند که کسی ذره ای توهم به این مضحکه "انتخاباتی" ندارد. حتی خودی ترین خودی هایشان هم میدانند که دیگر سرنوشت سهمشان از قدرت نه در پس برگزاری و اجرای این مراسم ارتجاعی و مذهبی بلکه در جدال سرنوشت ساز با مردمی که عزم جزم کرده اند تا سرنوشتشان کنند، تعیین خواهد شد. روزی نیست که کابوس سرنوشتی رژیم اسلامی و محاکمه سران رژیم اسلامی به جرم جنایت علیه مردم برایشان واقعی تر نشود. بی دلیل نیست که "راه حل های" رفسنجانی برایشان راهگشا نیست و بازتابی در صفوفشان ندارد. بی دلیل نیست که بخشی از صف اصلاح طلبان حکومتی به صرافت ترک این مراسم مضحک افتاده اند. از این رو برای حضور خود پیش شرط تعیین میکنند، تا شاید بهانه ای برای عدم حضور و جلوگیری از بی آبرویی بیشتر برای خود دست و پا کنند.

مسلماً مردم در این مراسم مضحک شرکت نخواهند کرد. شرکت در رای گیری و بند و بست میان باندهای آدمکش و اسلامی که هرکدام بیش از سه دهه سهم مهمی در اعمال بیشترین سرکوب و استثمار و بی حقوقی و تبعیض در جامعه داشته اند، پوچ و بی معنا و عین حقارت است. "از نظر مردم، شرکت در این انتخابات پوچ و بی معناست، و باید تحریم شود. نه فقط این رای بیهوده است، بلکه حتی اگر شمرده میشد، انتخاب بین بد و بدتر هم نبود، انتخاب بین بدتر و بدتر بود. هیچکدام از این جناح ها صلاحیت حکومت در ایران را ندارند." مردم انتخاباتشان را کرده اند. مدتهاست که انتخاب مردم سرنوشتی تمام و کمال رژیم اسلامی و کلیت این بساط استبداد و مذهب و استثمار است. مردم خواهان جامعه ای آزاد و برابر و مرفه اند، و اگر سنوالی کماکان باید پاسخ بگیرد این است که چگونه میتوان این پروسه را به ضد خود تبدیل کرد؟ آیا باید در خانه نشست و تماشاگر اجرای این مراسم حقارت آمیز بود یا فعالانه در مقابل آن ایستاد و اعتراض کرد؟ چگونه میتوان یک سیاست تعرضی و فعال را در این دوره در دستور قرار داد که کارگر و مردم زحمتکش، زن و جوان معترض و جان به لب رسیده را در موقعیت مناسبتری برای پایان بخشیدن به عمر سیاه این رژیم قرار دهد؟

حزب اتحاد کمونیسم کارگری مردم آزادیخواه و برابری طلب را به اتخاذ یک سیاست فعال اعتراضی در مقابله با این مضحکه فرامیخواند. این مراسم اسلامی را باید بر سرشان خراب کرد. هر تجمع و هر گردهم آیی شان را باید به مراسم افشاگری و اعتراض علیه کلیت رژیم اسلامی، علیه استبداد، علیه خفقان، علیه زن ستیزی، علیه فقر و فلاکت و بی حقوقی مردم، تبدیل کرد.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری از تمامی مردم آزادیخواه میخواند تا در فضای "انتخاباتی ای" که وجود دارد بیشترین اعتراض، تظاهرات، و اعتراض سیاسی را انجام دهند. این پروسه میتواند آغاز دور جدیدی از اعتراضات و خیزش مردم برای سرنوشتی انقلابی رژیم اسلامی باشد. باید با قدرت به میدان آمد. میتوان کارشان را تمام کرد!

مرگ بر جمهوری اسلامی!

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۷ تیر ۱۳۹۰ - ۱۷ ژوئیه ۲۰۱۱

در حاشیه هفته،

علی جوادی

آزادی، عدالت اجتماعی، نان

این شعاری است که اکنون در میدان التحریر فریاد زده میشود. و این بیان فشرده مطالبات جنبشی است که خواستش نه تنها پایان دادن به استبداد سرمایه در مصر و نماینده آن حسنی مبارک بلکه پایان دادن به استبداد و نابرابری و فقر و فلاکت همگانی است. این شعار جنبشی است که پایه اجتماعی آن را کارگر و توده های مردم زحمتکش و نسل جوان جامعه تشکیل میدهد. توده های مردمی که خواستها و مطالباتشان تغییر یک مستبد سرمایه با فرد یا جمع دیگری از مستبدان سرمایه نیست. خواهان آزادی است. آزادی همگان، آزادی بی قید و شرط، جامعه ای آزاد، بدون زندانی سیاسی، بدون محدودیت در ابراز وجود سیاسی و اجتماعی. خواهان عدالت اجتماعی اند، برابری میخواهند. بر علیه هر گونه تبعیض و نابرابری به میدان آمده اند. خواهان برابری سیاسی و اجتماعی اند. برابری زن و مرد، برابری همگان بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق. اما نه فقط برابری حقوقی و سیاسی، بلکه برابری اجتماعی. برابری در برخورداری از مواهب اجتماعی و محصولات اجتماعی که حاصل تلاش و دسترنج نیروی تولید کننده جامعه است. برابری اقتصادی. برابری انسانها. برابری که متضمن تساوی همگان در جامعه است. و بالاخره این مردم نان میخواهند. گرسنه اند. از مواهب زندگی مادی و اجتماعی محرومند. نان مترادف سمبلیکی برای رفاه است. خواهان رفاه و زندگی شایسته انسان قرن بیست و یکم اند.

از پیش معلوم بود که وضعیت موجود دوامی نخواهد داشت.

توافقات و موقعیت کنونی کاملاً شکننده و ناپایدار از هر دو جهت بودند. نه بورژوازی میتوانست به وضعیت موجود و عقب نشینی و ضرباتی که توده های مردم در اعتراضاتشان به رژیم سرمایه تمایل کرده بودند، رضایت دهد و نه توده های مردم که برای دست گرفتن سرنوشت زندگی خود و رقم زدن آینده به میدان آمده بودند و تاریخ معاصر را شکل دادند میتوانستند به این وضعیت رضایت دهند. اوضاع بدون تردید باید تغییر میکرد.

طرح شعار "آزادی، عدالت اجتماعی، نان" در میدان التحریر نشان پیشروی و قرار گرفتن جنبشی در راس تحولات سیاسی جامعه است که میخواهد و ناچار است برای پیشروی مناسبات اقتصادی و سیاسی موجود را در هم بشکند. ناچار است از محدودیتهای ایجاد شده توسط دولت موقت سرمایه که اکنون ارتش در راس آن قرار گرفته است، فراتر رود. ناچار است که تقدس سرمایه و مالکیت خصوصی بر ابراز تولید و توزیع اجتماعی را در هم بشکند. این چپ جامعه است که پا را فراتر گذاشته است و بالاخره توانسته التحریر را با شعارهای روشن و بدون تفسیر خود تسخیر کند.

این جنبش از هم اکنون لرزه بر اندام تمامی نمایندگان رنگارنگ بورژوازی و جنبشهای دست راستی و اسلامی و ناسیونالیستی انداخته است. جنبشی است که دیگر شبح نیست. واقعیت زنده و خیره کننده ای است. بی دلیل نیست که البرادعی پیش از

اینکه میدان التحریر رنگ سرخ بر خود بگیرد، هراسش را از قدرت گیری و گسترش این جنبش اعلام کرده بود.

قدرت گیری این جنبش عین قدرت گیری جنبش ما است. پیشروی و پیروزی این جنبش پیشروی و پیروزی ماست. هیچ مرز و محدوده ای، هیچ ناسیونالیسم و تنگ نظری کوری نمیتواند جنبش کمونیسم کارگری را از دستاوردهای خود در سایر جوامع محروم کند. ما نیز به سهم خود با پافشاری بر گسترش مبارزه برای "آزادی، برابری، رفاه" و یک جمهوری سوسیالیستی که متضمن تحقق این خواستهای پایه ای و دیرینه توده های کارگر و مردم زحمتکش است، این پیوندها را تعمیق خواهیم کرد.

"تورهای نامرئی سربازان گمنام امام زمان در صید شاه ماهی ها"

اخیرا وزیر اطلاعات حکومت اوباش اسلامی اعلام کرده است که "...در آینده نزدیک باید منتظر خبرهای جدیدی از تورهای نامرئی سربازان گمنام امام زمان در صید شاه ماهی های سیا و ضدانقلابیون خارج از کشور باشیم." در زمینه این اظهارات این سردسته یکی از جنایتکارترین حکومتهای معاصر باید به چند نکته اشاره کرد:

۱- بیانات مصلحی تنها تاکیدی بر خصلت جنایتکارانه رژیم اسلامی است. رژیمی که تاریخ حیاتش را با خون و استعمار و فقر و فلاکت نوشته اند. اما اراجیف وزیر اطلاعات حکومت اسلامی بیش از آنکه نشانگر طرحهای کشف این رژیم آدمکش باشد، بیانگر موقعیت استیصال آمیز حکومتی است که حکم سرنگونی خود را از مردم دریافت کرده است. هر روز شکاف و جدالی ارکان حاکمیتش را به لرزه می اندازد. حکومتی که ترور و آدمکشی اصلترین رکن حاکمیت سیاسی اش است، نیازمند این عریبه کثی هاست. این نعره های جنگی حکومتی است که فریادش بیشتر از هر چیز ناشی از هراس خودش است.



۲- اما این تهدیدات را نباید بدون پاسخ گذاشت. هر تلاش این اوباش را باید در هم شکست. پروژه انقلابی سرنگونی رژیم اسلامی در عین حال مستلزم در هم شکستن هر تلاش اطلاعاتی - امنیتی رژیم اسلامی است. برخی از تلاشهای این اوباش به قرار زیرند:

الف: درحال حاضر رژیم اسلامی توانسته است چه با بند و بست با پلیس بین المللی و چه با بکارگرفتن ظرفیتهای این دستگاه پلیسی تئی چند از عناصر شناخته شده اپوزیسیون چپ (برخی اعضای رهبری حزب حکمتیست) و راست (شهرام همایون مدیر کانال یک) را در لیست "تروریستهای" این ارگان بین المللی قرار دهد.

ب: دستگاه اطلاعاتی رژیم تبلیغات مسخره و کودنانه ای را علیه برخی از سازمانهای سیاسی با توسل به عناصری که در اثر انواع تهدیدها و گروکشی ها به خدمت این دستگاه آدمکش گرفته شده اند، آغاز کرده است. تبلیغاتی که عمدتاً با پروند سازی های کثیف جنسی و مالی تلاش میکنند حرمت افراد را پایمال کنند.

ج: رژیم در عین حال یک مجموعه اقدامات سیاسی تبلیغاتی را علیه چپ جامعه و نیروهای متعدد آن آغاز کرده است که به درجات زیادی از شکل تلاشهای تبلیغاتی تاکنونی رژیم اسلامی متمایز است. این تلاشها اساساً متوجه ایجاد مانع در روی آوری فعالین جوان و نیروهای تازه ای است که برای مقابله با رژیم اسلامی راه



کارگران مترو تهران، شرکت بلند پایه

3 ماه دستمزد معوق!

بنا به خبر دریافتی، بیش از 130 نفر از کارگران شرکت بلند پایه مجری احداث بخشهایی از مترو تهران دستمزدها و مبالغ اضافه کاری 3 ماه گذشته فروردین، اردیبهشت و خرداد را دریافت نکرده اند. عدم پرداخت دستمزدها در شرایطی است که کارگران در فضای آلوده و شرایط کاری بسیار سنگین و فرساینده در اعماق زمین مشغول کارند و از طرف دیگر خانواده های کارگران بعلت فقر و بی پولی و همچنین افزایش لحظه ای تورم و گرانی به دلیل حذف سوبسیدها از جانب حکومت جنایت پیشه اسلامی برای تهیه نان شب و مسکن و همه نیازها و مایحتاج ابتدایی حتی برای زنده ماندن بشدت محرومند. کارگران بارهای بار علیه این شرایط وحشیانه و غیر انسانی دست به اعتراض زده اند اما در مقابل سرمایه داران و عوامل کارفرما گویی برای شنیدن ندارند. بهانه کارفرما و جوابش به کارگران این است: پول نداریم، دولت احمدی نژاد با مجلس اختلاف دارد به ما پول نمی دهند و...

یکی از کارگران میگفت: اگر باند احمدی نژاد تیر خلاص زن با مجلس و خامنه ای و دیگر آخوندهای جانی و مفتخور برسر سهم بیشتر از دزدیهایشان هر مشکلی با هم دارند به ما کارگران چه ربطی دارد؟! 32 سال است با جنایت و اعدام و شکنجه و زدی ما را به خاک سیاه نشانده اند، همین سرمایه دارها، همین آقازاده رفسنجانی زدد و باند دور و برش میلیارد میلیارد از همین طرح مترو تهران بالا کشیده و به جیب زده اند، حالا برای دستمزدهای ناچیز ما و نان شب خانواده هایمان کیسه دوخته اند و میگویند احمدی نژاد قاتل با فلانی و فلانی اختلاف دارد، اختلاف دارند که دارند همه شان بروند به جهنم! ما حق و حقوق و زندگیمان را میخواهیم.

شرکت بلند پایه هم اکنون مجری احداث بخشهایی از خط 4 مترو تهران در منطقه خیابان آزادی، استاد معین و میدان ولیعصر میباشد. کارگران شرکت با قراردادهای موقت یکساله و دستمزدهای 330 هزار تومانی پرداخت نشده و ساعت کاری از 8 صبح تا 4 عصر و اضافه کار اجباری تا شب و در همه ایام تعطیل در شرایط وحشتناک و غیر ایمن کاری در اعماق زمین، در جایی که انباشته از انواع آلودگی است، در جایی که حتی نور و اکسیژن برای دیدن و تنفس هم موجود نیست با کار شاق و سنگین به بهای نابودی خود و خانواده هایشان در ازای هیچ؟؟ توسط سرمایه داران و حکومت اسلامیشان وحشیانه استثمار میشوند.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۶ تیر ۱۳۹۰ - ۱۷ جولای ۲۰۱۱

در حاشیه هفته ...

حل چپ و کمونیسم را برمیگزینند.

نیروها و دول دو قطب تروریسم جهان معاصر بلکه اساسا تحت الشعاع نیروی سومی، نیروی توده های مردم زحمتکش و نسل جوان معترض، قرار گرفته بود. گویا ورق به یکباره برگشت. همه آن غنایمی که در اثر جدالهای خونین دو قطب تروریستی و نیروهای متعدد آنها در جبهه های عراق و لبنان و فلسطین نصیب اسلام سیاسی شده بود، با اعتراضات و جنبش سرنگونی طلبانه توده های مردم در منطقه کاملا به سرعت تغییر کرد. نتیجتا در پس این تحولات موقعیت منطقه ای و بین المللی جمهوری اسلامی به شدت تضعیف شد.

به این تحولات منطقه ای ضربات سهمگینی را که جنبش سرنگونی و خیزش توده های مردم بپاخواسته در سال ۸۸ بر پیکر رژیم اسلامی وارد کرد اضافه کنید، ابعاد موقعیت جدید رژیم اسلامی بوضوح بیشتری نمایان میشود. این پیکر فوتوت اکنون چه در سطح منطقه و چه در سطح جامعه ایران در شرایط کاملا وخیمی قرار گرفته است.

پیوند و نزدیکی های سیاسی رژیم اسلامی و دولت ارتجاعی اسد در سوریه قدمتی به طول عمر رژیم اسلامی دارد. این اتحاد منطقه ای یک رکن گسترش اسلام سیاسی در لبنان و فلسطین بود. اکنون با زیر ضرب قرار گرفتن رژیم سوریه این مرکز مهم ارتجاعی سیاسی منطقه در سرآشینی سقوط قرار گرفته است. سقوط و سرنگونی رژیم سوریه کل معادلات منطقه را علیه رژیم اسلامی برهم خواهد زد. بی جهت نیست که یک مشغله مهم سپاه پاسداران آمکشان اسلامی مقابله و سرکوب و اعتراضات مردم در سوریه است. اما مساله این است که رژیمی که خود ناتوان از مقابله با توده های مردم است، ستونهای زیر پایش به لرزش در آمده اند، توانایی چندانی در حفظ یک ارتجاعی همزاد خود در منطقه نخواهد داشت.*

مجموعه این اقدامات و همچنین طرح مسخره "مدحی" بیش از هر چیز نشان آن است که سیاست سرکوب و آمکشی اسلامی کارایی خود را نسبت به گذشته از دست داده است و بطوریکه حتی طراحان طرحهای امنیتی رژیم بر این امر واقف شده اند که باید چاره دیگری بیندیشند. چاره ای که اما از پیش شکست خورده است. این ترندهای کودتاه رژیم اسلامی را در هم خواهیم شکست!

سرنگونی دولت اسد، موقعیت ویژه رژیم اسلامی!؟

تحولات منطقه تاثیر قابل ملاحظه ای بر موقعیت رژیم اسلامی در منطقه گذاشته است. پیش از این رژیم اسلامی توانسته بود با جنگهای منطقه ای به موقعیت ویژه ای در سطح خاورمیانه دست پیدا کند. جنگ آمریکا در عراق عملا زمین فراخی برای ترکتازی جنبش و رژیم اسلامی فراهم کرد. بغداد نیز به کعبه تروریسم اسلامی تبدیل شد. جنگ حزب الله و اسرائیل و همچنین جنگ اسرائیل و حماس از جمله عوامل دیگر تقویت کننده موقعیت ارتجاعی اسلام سیاسی در منطقه بودند. تا جائیکه دول غربی و رسانه های سخنگوی آنها به ناچار به باز تعریف موقعیت خود در قبال رژیم اسلامی پرداختند. دولت اسلامی هم بر مبنای همین موقعیت جدید و تازه یافته شده تلاش میکرد تا پر و بال خود را به سایر مناطق جهان کشانده و اتلافات جدیدی را در سطح جهان در مقابله با تروریسم دولتی شکل دهد.

اما این روند با خیزش توده های مردم در شمال آفریقا و خاورمیانه کاملا قیچی شد. فاکتور جدیدی وارد معادلات منطقه شده بود. دیگر صحنه سیاست نه فقط در اختیار

سرگیجه جریان موسوم به حکمتیست

از دولت موقت و رفراندم تا سندیکالیسم!

کامران پایدار

حکومت اسلامی کی و کجا بوده و کارگرانی که 32 ماه دستمزدهایشان هنوز معوق است چگونه از افزایش دستمزد این دوره رونق بهره مند شده اند؟؟

بهرام مدرسی در جای دیگری میگوید: نگاه کوتاهی به عرصه هایی که این سرمایه متمرکز شده در آنها به جریان افتاده است نشان میدهد که صنایع سنگین و زیربنایی یکی از عرصه های اصلی هستند. صنایع ماشین سازی، فولاد، پتروشیمی، قالب زنی، برق و اخیرا هم راکتورهای اتمی که شبکه ای از صنایع تولیدی پایه ای را با خود همراه کرده است از این جمله اند.

بله به زعم ایشان همه چیز امن و امان است، در دنیای امروز، در شرایطی که کشتی نظام سرمایه داری با سر در لجن بحران و ورشکستگی و انحطاط فرو رفته است و جنرال موتورزها و همه مراکز صنعتی و کارخانه ای کشورهای بزرگ صنعتی اروپا و آمریکا در بحران ورشکستگی و اخراج میلیونها کارگر فرو رفته اند، به زعم آقای بهرام مدرسی جمهوری اسلامی با همه فساد سیاسی و اقتصادی با همه بحرانهای سیاسی و پرت شدنش حتی از دایره اقتصاد سرمایه داری جهانی، با وجود همه تحریم های جهانی موفق شده جزیره امن و آسایش پیشرفت اقتصادی و سرمایه داری را بسازد البته شاید با توسل به امدادهای غیبی و امام زمانشان!! و حالا باید برای ادامه کاری و تکمیل این روند انباشت سرمایه سیاست جنایتکارانه و ضد انسانی افزایش هزینه های زندگی و حذف سوبسیدها را به اجرا بگذرند!! این تحلیل های وارونه و هپروتی نشان از بی اطلاعی جناب مدرسی از الفبای مارکسیسم و شرایط واقعی جامعه ایران دارد نه چیز دیگری!!

در جای دیگری ایشان میگوید: سیاست حذف سوبسیدها را نمیتوانند کنسل کنند. این همانطور که خودشان

صفحه ۷

از چپ بورژوازی چیست؟ باید از ایشان پرسید اگر فعال سندیکالیستی تشریف ندارید چکاره اید و در کجا ایستاده اید و چرا نظرتان را در باره مجامع عمومی و شوراهای کارگری با صراحت و شفافیت عنوان نمیکنید؟ البته در جایی دیگری جناب مدرسی به تایید و تمجید و تکمیل تزه های رضا رخشان پرداخته و عنوان می کند رشد سرمایه داری در ایران از سالهای 1999 به بعد تا امروز بخصوص در دوره طلایی حاکمیت امیرکبیر زمان جناب احمدی نژاد تیر خلاص زن رو به رشد و ثبات و شکوفایی اقتصادی بوده است و معتقد است اگر رضا رخشان مورد غضب دیگران قرار گرفته به دلیل تیزبینیش و درایتش در مشاهده و کشف رشد و شکوفایی اقتصادی جمهوری اسلامی در سالهای اخیر بوده و بیچاره رضا رخشان به خاطر اعتراف به این واقعیت مغضوب کمونیستهای بورژوازی شده است!! اگر باور نمیکنید آقای مدرسی کلی آمار و ارقام من درآوردی و بی پایه و اساس را که از تراوشات دستگاهها و تریبونهای دروغ پراکنی حکومت است را تحویلتان میدهد ایشان میگوید:

"اولا در این ۳۰ سال، ما دوره هایی از رونق و دوره هایی از رکود اقتصادی داشته ایم. و طبیعی است که در دوران رونق حقوق کارگران افزایش می یابد. این قانون نظام سرمایه داری است که رونق اقتصادی به همراه خود افزایش دستمزد و در نتیجه موجب بالا رفتن سطح زندگی کارگران میگردد".

باید از آقای مدرسی سؤال کرد در طی 32 سال حاکمیت جمهوری اسلامی دورانهای رونق و رکود کدامها هستند و ویژگیها و شرایط و عواقب اقتصادی و اجتماعیشان چه بوده است؟ ضمنا تا یادمان نرفته باید پرسید دوران رونق اقتصاد

برای گریز از واقعیت و شانه خالی نمودن از ارایه جواب به انحرافات و بن بست هایی سیاسی که ایشان مسبب آنها بوده اند ترجیح داده است عطای لیدری را به لقایش ببخشد و رهبری و هدایت حزب را در سایه انجام دهد.

در این اوضاع و احوال و شرایط موضعگیری وارونه و حمایت همه جانبه از جریان سندیکالیستی توسط بهرام مدرسی از کادرهای جریان حکمتیست هم قابل تامل و هم قابل درک است. آقای بهرام مدرسی در نوشته خود در حالیکه بر هیچ مبنای مارکسیستی، علمی، واقعی و منطقی استوار نیست فقط با ادعا و ژست های تئوریک کاذب و با استناد به سطحی نگری و تایید و ارایه برخی آمارهای بی سر و ته و مجعول و دروغ که عمدتا ساخته و پرداخته خود جمهوری اسلامی است، کوشیده است بطریقی از سندیکالیسم و سیاستهای پرو احمدی نژاد رضا رخشان حمایت نموده و یواشکی و زیرجلکی این حمایت و این بحث را برای توجیه انحرافات و بن بست های جریان متبوعش در دیگر زمینه ها تسری دهند. البته این روش ناصادقانه نه کمونیستی است و نه انقلابی!

بهرام مدرسی در جایی میگوید من فعال سندیکالیست نیستم اما رضا رخشان بعنوان فعال جنبش سندیکالیستی هزار بار حق دارد که کل تصویر چپ بورژوایی از مبارزات اقتصادی طبقه کارگر را مانع فعالیت سندیکالیستی خود بدانند! باید از جناب بهرام مدرسی پرسید اولاً تعریف شما

مباحثی که اخیرا در نامه رضا رخشان به سندیکای کارگران فرانسه و همچنین نظریاتی که ایشان در باب سیاست حذف سوبسیدها عنوان شده فصل باب جدیدی را در میان دو جریان حزب کمونیست کارگری و جریان حکمتیست گشوده است. هر یک از این جریانها کوشیده است تا با زرنکی سیاستهای انحرافی و بغایت راست خود را بخصوص آنچه را که پس از حوادث سال 88 تا امروز گذشته را به طریقی ماسک مالی و زیر فرش کنند. حزب کمونیست کارگری که پس از حوادث و اعتراضات مردمی در سال 88 عمدتا به زانده و دنبالچه جریانها سبز رانده شده از بارگاه حکومت اسلامی تبدیل شده بود، حالا با فرو نشستن التهابات کاذب و گرد و غبار و سیاست شورا و مجمع عمومی و وسیله قرار دادن رضا رخشان در نقدهایشان بیهوده میکوشند حقانیت "کارگری و سوسیالیستی" شان را به اثبات رسانده و بدین وسیله رنگ و روغنی بر همه سیاستهای پوپولیستی و راست شان بمالند. در مقابل کشتی جریان حکمتیست هم که به دلیل تزه های مشعشع کورش مدرسی از تزه های راست دولت موقت حجابیانی گرفته تا رفراندم و مجلس موسسان و منشور سرنگونی و انزوا و خانه نشینی و به زبانی سر راست تر مخالفتشان با مبارزات مردمی در سال 88 برای سرنگونی جمهوری اسلامی به گل نشسته است، در این روزها که اختلافات و تشتت و سر خوردگی در میان کادرها و اعضای رهبری جریان حکمتیست رو به گسترش است و مجموعا همه انحرافات سیاسی و اختلافات بیش از پیش این جریان را به سمت فرقه ای پاسیو و منزوی و نامربوط به مبارزات و منافع جنبش کارگری تبدیل نموده تا جایی که جناب کورش مدرسی



کنفرانس تشکیلات هلند حزب اتحاد کمونیسم کارگری برگزار میشود

آمستردام، هلند

یکشنبه ۲۵ ژوئیه ۲۰۱۱

برای شرکت در کنفرانس لطفا با مجید پستانچی تماس بگیرید:

شماره تلفن
۰۰۳۱۶۴۵۱۳۷۰۰۴

سخنرانی آذر ماجدی، از رهبران حزب اتحاد کمونیسم کارگری

«بهار عرب»، مردم چه میخواهند؟

نقش جنبش اسلام سیاسی!

دموکراسی یا سوسیالیسم؟ راه حل کدام است؟

محل جلسه سخنرانی

De Waterval
Van Hallstraat 10
1051HH Amsterdam

نزدیکترین ایستگاه
Van Hallsraat

روز شنبه ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۱

ساعت ۲ تا ۴ و نیم بعدازظهر

www.wupiran.net

x_magid@yahoo.com
kousha.maryam@gmail.com

سرگیجه جریان موسوم به حکمتیست ...

(جمهوری اسلامی) هم گفته اند این قدمی تاریخی برای رشد سرمایه داری در ایران است!! بنابراین تامین قدرت خرید مردم و اینجا بخصوص طبقه کارگر را مجبور میشوند با بالا بردن سطح دستمزدها جریان کنند. سطح زندگی بخش بزرگی از این پرولتاریای صنعتی در ایران امروز بالاتر از بخش وسیعی از کارمندان دولتی است!!!

من با صراحت از بهرام مدرسی می پرسم حداقل با خودتان صادق باشید واقعا شماها و امثال رضا رخشان ها چقدر بطور واقعی با مسایل و مشکلات جنبش کارگری در ایران در ارتباط و درگیر هستید؟ بی تعارف یا از شرایط بی خبر و بی اطلاعید و در عالم خیال هذیان میفرمایید یا مغضرنانه دروغ میگویید اما اینکه شماها کجا هستید و چه میگویید اهمیتی ندارد. آیا شما که مدعی افزایش دستمزدها پس از اجرای حذف سوبسیدها هستید و این را امر اجتناب ناپذیر حکومت میدانید یا به قول جناب رخشان اگر هر کارگری فقط چند ماه حقوقش را پس انداز کند میتواند یک ماشین شرافتمندانه بخرد!! و اینگونه وقیحانه از حکومت اسلامی سرمایه داران حمایت میکنید. آیا میدانید همین الان در ایران دستمزدهای بیش از 80 درصد کارگران صنایع مختلف از ایران خودرو و سایپا تا شرکت نفت و پتروشیمیها و دیگر مراکز صنعتی ریز و درشت از 3 ماه تا بیش از 2 سال معوق شده است؟ آیا اطلاع دارید به دلیل فقر و فلاکت، به دلیل بیکاری و گرسنگی روز افزون خانواده های بسیاری از کارگران متلاشی شده به ورطه تن فروشی و کلیه فروشی و هزار بدبختی دیگر افتاده اند؟ سنگین تر نیستید حرف نزنید؟*

نه به تروریسم اسلامی، نه به تروریسم دولتی!

زنده باد آزادی، برابری و رفاه همگان!

زنده باد جنبش مجامع عمومی!

زنده باد شوراهای کارگری!

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به

چه منجلاپی تبدیل میشود!

کارگران! در اعتراضات جاری

به مجمع عمومی متکی شوید!

مجمع عمومی تجمع طبیعی و

ظرف اعمال اراده مستقیم و

مستمر توده کارگران است!

گزارش از زندانهای دیپورتی در هلند و وضع اسفناک پناهجویان!

علی طاهری

موج جدیدی از تعرض به حقوق پناهندگی در هلند و کشورهای دیگر اروپایی چون سوئد و دانمارک و سوئیس و ایتالیا و فرانسه و یونان آغاز شده است. این تعرض به حقوق پناهندگی امروز در دل اروپا به تعرض به حقوق ابتدایی بشر بدل شده است. در دل سیستم دموکراسی اروپایی شاهد همان برخوردهای ضد انسانی دولت های ضد بشر چون ترکیه و جمهوری اسلامی هستیم. این واقعیات نشاندهنده یکی بودن درونمایه تمام دول نظام سرمایه داری در برخورد به انسان و حقوق انسانی است. در کشورهایی چون ایران سر آدم ها را به بهانه توهین به اسلام و قانون اسلامی می برند و در دل اروپای به ظاهر متمدن بر اساس "قانون و مصوبات" انسانهای زنده را له و لورده می کنند! هر لحظه هزاران انسان با مارک پناهنده از نظر روحی و جسمی اعدام مصنوعی می شوند. باید مقابل این توحش قرون وسطایی ایستاد. برای نشان دادن ضرورت مبارزه بر علیه قانونهای ضد پناهندگی در هلند و کشورهای اروپایی گزارشی که از زندانهای دیپورتی در هلند به دست ما رسیده را منتشر می کنیم. هدف از انتشار این گزارش اولاً نشان دادن اوضاع اسفناک پناهجویان و نورافکن انداختن روی قوانین ضد بشری سیستمهای پناهندگی و ثانیاً شروع اعتراضی سرتاسری در اروپا بر علیه سیستمهای ضد پناهندگی برای عقب راندن قوانین و مصوبات ضد بشری دول اروپایی و تصویب قوانینی تازه با ظرفیتهای انسانی برای پناهجویان است:



کردن فعالین مدنی و دستگیری هم رزمانش مجبور به ترک ایران و فرار به کشور هلند شده است. متأسفانه به دلیل برخورد غیر مسئولانه اداره مهاجرت هلند و همکاری دینست تروخکیر ان فرکیبر (اداره ای برای بازگرداندن پناهندگان پرونده بسته به کشورشان است) با سفارت جمهوری اسلامی ایران در شهر دنهاخ و فرستادن مشخصات ایشان از سوی این اداره به سفارت جمهوری اسلامی ایران بازگشت، مامورین جمهوری اسلامی متوجه حضور ایشان در کشور هلند شده اند و بلافاصله خانواده آقای منصور را که در ایران هستند تحت بدترین آزار و اذیتها و تهدیدها برای بازگرداندن شاهو منصور به ایران کرده اند. ایشان در مدت حضور در زندان چندین بار دست به اعتراض برای شرایط جسمی و وضع بد زندان زده اند که با واکنش منفی اتوریته زندان روبرو شده است. در حال حاضر آقای منصور که مبتلا به ضعف بینایی شدید است و در جواب برای گرفتن عینک شماره 5 و 6 چشمانش فقط یک بار توسط ماشین زندان او را با دست و پای بسته شده و عینا شبیه

برخوردی که با جانین سابقه دار می کنند به مرکز خرید شهر برای رفتن به مغازه عینک فروشی می برند که شاهو منصور از پیاده شدن از ماشین به دلیل تحقیر بیش از حد سر باز می زند.

مورد دوم آقای اسدالله کنعانی که از سال 2005 در هلند به سر می برد و یک بار در سال 2007 به مدت 6 ماه و سپس در سال 2009 به مدت 10 ماه و در نهایت در سال 2011 به مدت 4 ماه در زندان های دیپورتی هلند زندانی بوده است. قابل ذکر است که مدت قانونی زندانی دیپورتی از 1 تا 18 ماه است اما آقای کنعانی در مجموع 20 ماه در زندان بوده است. آقای کنعانی به خاطر مسئله تغییر مذهب به مسیحیت تحت فشار دولت جمهوری اسلامی بوده است و در حالی که در قانون ایران تغییر مذهب با حکم اعدام روبرو می شود و اخیراً فردی با نام یوسف ندرخانی در ایران به همین جرم حکم اعدام گرفته است، مقامات اداره مهاجرت و دادگستری هلند این مسئله را قبول نمی کنند و ایران را کشوری امن برای هر نوع "اقلیت مذهبی و قومی" می دانند. و مسئله بعدی حضور دراز مدت اسدالله کنعانی در زندانهای دیپورتی هلند و بلاتکلیفی و فشار جمهوری اسلامی ایران به خانواده و دو فرزند دختر خردسالش او را دچار ضعف شدید روحی و جسمی در زندان کرده است. داروهای خواب آور و مسکن و ضد افسردگی که مسئولین زندان برای درمان وی تجویز کرده اند و نتیجه برعکس بر روی سلامتی و جسمی اسدالله کنعانی داشته است و ایشان در وضعیت بسیار ناگواری به سر می برد.

چه باید کرد؟

قوانین ضد بشری پناهندگی ازلی و ابدی نیستند. این قوانین محصول بند و بست کثیف و ارتجاعی دول غربی و معادلات و معاملات پنهان و آشکار آنهاست. اما این فقط یک کفه ترازوی بی عدالتی و بی حقوقی است طرف دیگر سازمان ها و نهاد چپ و رادیکال و مدافع حقوق و بشریت متمدن قرار دارند که تا بحال بارها و بارها بساط قوانین



ضد پناهندگی را بر هم زده و موفق به تصویب قوانین مثبت به نفع حقوق پناهجویان شده اند. همین امروز باید برای نجات هزاران پناهنده در زندانهای دیپورتی که با خطر اعدام و شکنجه روبرو هستند در زیر یک صف رادیکال متشکل و متحد شد. دولت هلند بارها و بارها مجبور به عقب نشینی در برابر صفوف متحد مبارزاتی و اعتراضی رادیکال شده است. اداره مهاجرت هلند به دفعات مکرر بعد از دیپورت پناهجویان به ایران و ترکیه و روبرو شدن این پناهجویان دیپورتی با مجازات اعدام و شکنجه معذرت خواهی کرده است. اما معذرتخواهی کافی نیست سیاست های دست راستی دول اروپایی و دولت هلند را فقط با ایجاد قوانین و سازمانهای قانونی مدافع راستین حقوق پناهندگی می توان به عقب راند. سازمانهای عریض و طویل که به اسم پناهنده بر ضد پناهنده عمل می کنند باید به کنار بروند.

دعوت من از تمام سازمانهای چپ و رادیکال و مدافع حقوق انسانی این است که برای آزادی شاهو منصور و اسدالله کنعانی و هزاران پناهجوی زندانی دیگر در هلند دست به اعتراض بزنند و نگذارند قربانیان جمهوری کثیف اسلامی در اروپا و هلند هم قربانی شوند!

پرچم تعطیل شدن زندانهای دیپورتی را همین امروز می توان و باید به بالا برد! *

مورد اول در رابطه با آقای شاهو منصور است که 4 ماه است در زندان دیپورتی رتردام در کشور هلند به سر می برد. او عضو حزب کومله از ایران بوده است

نامه ها،

سیاوش دانشور

حمله نظامی به پژاک،

حزب شما قبلا در مورد حمله نیروهای جمهوری اسلامی به خاک کردستان و حکومت اقلیم موضع گرفته است. بیشتر احزاب کردی و چپ اینبار نیز موضع گرفتند. نظر شما در مورد این حمله مشخص به پژاک چیست؟ آیا جمهوری اسلامی بدنبال ساقط کردن حکومت و دولت کردی در کردستان عراق است؟ هیوا

هیوا عزیز،

ما بعنوان یک جریان کمونیست کارگری سرنگونی طلب که در یک رابطه خصمانه و جنگی با جمهوری اسلامی قرار دارد، هر نوع تعرض و تعدی به نیروهای اپوزیسیون ایران را محکوم میکنیم. ما تهاجم سیاسی، اطلاعاتی، تروریستی و نظامی به هر نیروی اپوزیسیون را مقدمه ای برای ناامن کردن فضای سیاسی و پیشروی حکومت اسلامی تلقی میکنیم و همواره بر ایجاد فضای ایمن سیاسی در اپوزیسیون ایران تاکید داشته ایم. همینطور این محکومیت برای ما نه از جانبداری سیاسی از جریان مورد تعرض بلکه از خصومت با حکومت اسلامی ناشی میشود. موضع ما با موضع جریان ناسیونالیست مورد اشاره شما یک نقطه عزیمت اجتماعی ندارد. برای ناسیونالیستهای متفرقه حمله حکومت و سپاه پاسداران به "خاک کردستان" حمله به خودشان است. حتی اگر در این خاک مرتجعین و آدمکشانی نظیر طالبانی و بارزانی حاکم باشد که همین اخیرا به طرف مردم معترض در کردستان شلیک کردند و یا کارگران بیکار را به گلوله میندند. این جریانان نان و هزینه شان را به قول شما "حکومت اقلیم" تهیه میکند و برایشان نمک خوردن لازمه نمکدان را نشکستن

است. همینطور سیاست محکومیت برای ما اساسا در قبال لطماتی است که به مردم غیر نظامی و بی دفاع روستاهای مرزی وارد میشود. مردمی که با هر حمله ناچارند خانه و کاشانه شان را رها کرده و آواره شوند، زیر گلوله و خمپاره تلف شوند، و نان و آب و زندگی شان توسط جنگ مرتجعین متفرقه گرو گرفته شود. مردمی که اگر آزاد باشند و انتخاب واقعی داشته باشند نه به طرف جمهوری اسلامی و نه به سمت جریانات قوم پرست و عشیره ای ناسیونالیست کرد تمایلی ندارند. آنها هر روز پدرخوانده های این جنیش یعنی بارزانی ها و طالبانی ها را تجربه میکنند.

نگرانی شما و برخی دیگر از جریانات ناسیونالیستی مبنی بر هدف ساقط کردن "حکومت اقلیم" توسط رژیم اسلامی بی پایه است و اساسا تلاشی برای کسب جانبداری از حاکمیت نامشروع و دست ساز پنتاگون در کردستان عراق است. طالبانی و بارزانی، علیرغم هر درجه اختلاف موسمی، یار غار جمهوری اسلامی و همکار جمهوری اسلامی در سرکوب نیروهای سیاسی و تهاجم به آنان بوده اند. وانگهی "حکومت اقلیم" صرفا روی پای خودش نایستاده است و از حمایت آمریکا و ائتلاف ناتو در عراق برخوردار است. یادتان نرود اینها طی چه پروسه ای به قدرت سیاسی در عراق چنگ انداختند. کسانی که در متن جنگ جمهوری اسلامی و پژاک یاد "نقض قوانین بین المللی" و "بهم ریختن ثبات حکومت کردستان" افتاده اند، این نوع

حکومت و این نوع ثبات آرزوی پوچی است که برای کردستان ایران در سر میرورانند. برای ما ثبات و عدم ثبات یک حکومت مرتجع اصولا سوال نیست و احترام به مناسبات و قوانین بین المللی که همواره با آن سر درگیری داریم ارزشی ندارد.

و بالاخره پژاک سیاست جنگ نظامی را با جمهوری اسلامی در دستور قرار داده است. همه میدانند پژاک ساخته و پرداخته چه کسانی است و مدتهای مدید با جمهوری اسلامی همکاری داشته است. جنگ هم قانون خودش را دارد. جنگ یکطرفه نیست. برای ما نفس این جنگ زیر سوال است. از نظر کارگران کمونیست و کمونیستهای کارگری عملیات انتحاری و بمبگذاری و سربریدن امثال پژاک و سلفی ها و ریگی ها با اعدامهای جمهوری اسلامی و تهاجمات نظامی و بمباران و موشک باران مردم بی دفاع تفاوتی ندارد. این جنگی بین دو نیروی ارتجاعی و ضد جامعه است که قربانیان آن مردم بی دفاع و غیر نظامی اند. پژاک و دیگر نیروهای ناسیونالیست موتلف و طرفدار تاکتیکی اش سرسوزنی با تمایلات آزادیخواهانه و کارگری مردم در کردستان خوانائی ندارند. دوران شیخ محمود و ملا آواره بسر آمده و کارگران و مردم شهری در کردستان نمیتوانند از طریق سیاستهای نوع پژاک به اهداف و

مطالبات آزادیخواهانه شان برسند.

همینطور پژاک تلاش دارد در فقدان حضور یک جریان مقتدر و قابل قبول در میان گرایش ناسیونالیسم کرد، با سیاست حضور نظامی جای پائی در میان گرایش ناسیونالیستی در کردستان ایران پیدا کند. یک منشا عملیاتیهای نظامی پژاک رقابت ناسیونالیستی است. اما مهمتر از محاسبات سیاسی روستائی و خرد پژاک، جمهوری اسلامی از این عملیات اهداف گسترده تری را دنبال میکند. جمهوری اسلامی با عملیات نظامی گسترده کردستان را بیش از پیش نظامی میکند، بر فضای میلیتاریستی و بگیر و ببند و پرونده سازی برای جوانان در کردستان می افزاید، زندگی مردم زحمتکش منطقه را با ناملایمات جدی روبرو میکند، و با سیاست قلدری نظامی در مرزها تلاش دارد پروژه های جدیدی را کلید بزند تا از آنها در خدمت جدالهای داخلی و تقابل با مردم در ایران بهره برداری کند. اما جمهوری اسلامی میان مردم بی اعتبارتر از آنست که چنین عملیات هائی بتواند بدادش برسد. حتی آنجا که حکومت افراد شرور و قاتل را اعدام میکند با نفرت عمومی روبرو میشود چون مردم میدانند که این حکومت از همین جنس است و عدالت را نمیتوان با تکرار جنایت محقق کرد. پیروز باشید.

کارگر زندانی،

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



کارگران سد کارون 4 خوزستان! دستمزدهای خرداد ماه معوق!

در اطلاعیه قبلی مورخ 23/2/90 اعلام داشتیم بیش از 400 نفر از کارگران سد کارون 4 دستمزدهای 18 ماهه معوق خود را دریافت ننموده اند و عوامل کارفرما در هراس از اعتصاب و اعتراضات کارگران در اول مه یکماهه از دستمزدهای کارگران را پرداخت نمودند.

در طی 2 ماه گذشته به دنبال فشارها و اعتراضات مکرر کارگران، عوامل کارفرما به ناچار به خواستهای کارگران تسلیم شده و بخش عمده ای از دستمزدهای کارگران را پرداخت کرده اند. عقب نشینی سرمایه داران و حکومتشان در برابر قدرت اتحاد و اعتراض کارگران پدیده جدید و عجیبی نیست، هر جا که کارگران بطور متحد و یکپارچه و مصمم برای دستیابی به خواستههای برحقشان به میدان آمده اند مسلماً و قطعاً نتیجه گرفته اند. کارگران سد کارون 4 بخشی از مطالباتشان را نقد کرده اند اما این به هیچ وجه کافی نیست. دستمزدهای خرداد ماه هنوز پرداخت نشده، شرایط کاری بسیار سخت و وحشتناک است و دستمزدهای ناچیزمان هم چندین برابر زیر خط فقر. این زندگی در اعماق فقر و فلاکت و محرومیت و گرسنگی شایسته انسان نیست! عوامل کارفرما وعده داده اند همه دستمزدهای کارگران تا شهریور ماه به روز خواهد شد اما توبه گرگ مرگ است و اعتبار و اعتمادی به وعده های سرمایه داران و حکومتشان نیست.

رفقای کارگر!

سرمایه داران طفیلی و سودجو و حکومت اسلامی نوکرشان ذره ای در اندیشه ما و خانواده هایمان نیستند. آنچه برای حضرات حائز اهمیت است حسابهای بانکیشان است که در سایه زندان و شکنجه و اعدام و سرکوب و سانسور و استثمار وحشیانه ما کارگران هر روز فریه و فریبه تر میشود. حکومت اسلامی و سیستم جهنمی و ضد انسانی امروز بیش از هر زمان دیگری زبون تر و شکننده تر است. سرمایه داران و عواملشان هیچگاه از روی نیت خیر! و انساندوستی به خواستههای انسانی ما کارگران تسلیم نخواهند شد. باید حرص و آز و سودجویی سرمایه داران و حکومت اسلامیشان را به قدرت اتحاد و تشکل و برپایی مجامع عمومی منظم و اعتصاب افسار بزنیم. باید بساط همه این بیکارگان مفتخور را برچینیم.

کارگران پروژه سد کارون 3 که چندی پیش به اتمام رسید هم اکنون در احداث پروژه سد کارون 4 واقع در منطقه باغملک و ایذه خوزستان مشغول بکارند. این کارگران که تعدادشان بیش از 400 نفر است همگی قراردادی و با دستمزدهای 300 هزار تومانی و ساعت کاری از 7 صبح تا 5 عصر و انجام اضافه کاری اجباری مشغول به کار هستند و در 10 کمپ غیر بهداشتی و فاقد امکانات در شرایط تقفیش پلیسی و بد آب و هوایی که تحت نظارت وزارت نیرو خوزستان میباشند به سر میبرند.

سازمان نوسازی آموزش و پرورش تهران دزدی از مبالغ اضافه کاری کارکنان!

در اطلاعیه مورخ 21/2/90 اعلام داشتیم مبلغ بیش از 500 میلیون تومان از دستمزدهای مربوط به سال پیش بیش از 250 نفر از کارکنان سازمان نوسازی آموزش و پرورش تهران پرداخت نشده و علاوه بر این ساعت کاری کارکنان را که از ساعت 8 صبح تا 30/2 عصر بود، به مدت یک ساعت و

نیم یعنی تا ساعت 4 عصر اضافه نموده اند بی آنکه از این بابت دستمزدی محاسبه و پرداخت شود! هنوز دستمزدهای معوق پرداخت نشده و ساعت اضافی کار بدون پرداخت ریالی دستمزد ادامه دارد. اما امروز چهارشنبه که فیشهای حقوقی توزیع شد معلوم گردید مبلغی از 50 تا 70 هزار تومان از اضافه کاری هر یک از کارکنان کسر گردیده است؟

یکی از کارکنان زحمتکش میگفت: دستمزدهایمان را مثلاً 9 درصد اضافه کرده اند. چیزی حدود 30 هزار تومان!! اما امروز در ازای اضافه کاری که انجام داده ایم از هر یک از ما 50 تا 70 هزار تومان کسر نموده ند!! این یعنی نمایش مسخره خیمه شب بازی از نوع اسلامی و آخوندی، ظاهراً 30 هزار تومان به دستمزدهایمان اضافه شده اما از آنطرف تا 70 هزار تومان از ثمره کارمان را بالا کشیده اند. یعنی در اصل چیزی به دستمزدهایمان اضافه نشده هیچ بدهکار هم شده ایم. گرانی و تورم هم هر لحظه و هر روز بیشتر و بیشتر اوج میگردد و عباسی دزد هم که مدیر سازمان نوسازی است و هم از توبره میخورد و هم از آخر در جواب ما میگوید: بودجه نداریم همینکه هست.

سازمان نوسازی آموزش و پرورش تهران واقع در میدان ونک خیابان میرداماد با بیش از 250 نفر کارمند قراردادی، با قراردادهای یکساله و دستمزدهای 330 هزار تومانی و ساعت کاری از 8 صبح تا 4 عصر میباشد. اوضاع در میان کارکنان ناراضی و معترض این اداره به دلیل نپرداختن دستمزدها و افزایش ساعت کاری آن هم بدون پرداخت دستمزد بسیار بحرانی و آشفته است.

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۹ تیر ۱۳۹۰ - ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۱



کتاب کنترل کارگری را از سایت
حزب دریافت و توزیع کنید!

حزب اتحاد کمونیسم کارگری

۲۹ تیر ۱۳۹۰ - ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۱

علیه گرانی و فقر!

وظایف فوری کمونیسم و طبقه کارگر

۱ - گسترش فقر و فلاکت، گرسنگی و سوءتغذیه، گرانی سرسام آور و ناتوانی اکثر مزدبگیران جامعه از تامین نیازهای پایه ای خویش، گسترش بیکار سازیها و اخراج گسترده کارگران، افزایش کار قراردادی و سفید امضا، گسترش وسیع شرکتهای پیمانی که کمترین دستمزدها را به کارگر میپردازند، فقدان سیستم رفاه اجتماعی و عدم دسترسی مکی به بهداشت و درمان و آموزش و مسکن، جامعه را در آستانه یک بحران عمیق سیاسی و اجتماعی قرار داده است. در شرایطی که فقر و گرانی کمر مردم را خرد کرده است، و مردمی ناراضی و منزجر هر روز بیشتر قربانی این اوضاع میشوند، شورش گرسنگان علیه وضع موجود یک چشم انداز واقعی است. وظیفه فوری جنبش کمونیستی کارگران، سازماندهی این پتانسیل اعتراضی طبقه کارگر و مردم زحمتکش و تبدیل آن به جنبشی خودآگاه و انقلابی علیه سرمایه داری و نظام اسلامی حاکم است.

۲ - با تشدید گرانی و گسترش فقر و بروز پیامدها و مصائب اجتماعی ناشی از آن، جناح های مختلف بورژوازی تلاش میکنند یکدیگر را مسبب این اوضاع فاجعه بار قلمداد کنند. تز مقابله با "مافیای اقتصادی"، نقد به "واردات بی رویه"، سیاست "حمایت از تولیدات داخلی" و کلا دیدگاههای ناسیونالیستی و پروتکشنیستی، نه نسخه ای برای درمان این اوضاع بلکه تلاشی آگاهانه برای خارج کردن مسبب واقعی این وضعیت، یعنی نظام سرمایه داری و کل حکومت مرتجع اسلامی از تیررس تعرض و اعتراض کارگران و مردم گرسنه است. در عین حال طرح این سیاستها تلاشی برای پاسحگویی به فشار پانینی ها از جانب بالائی ها است که به سهم خود به جدال درون حکومتی برسر کنترل اوضاع و نفس بقای حکومت دامن میزند. جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند این اوضاع را تخفیف دهد. تحمیل فقر و فلاکت یک سیاست رژیم اسلامی برای بزانو درآوردن کارگران و مردم زحمتکش است.

۳ - نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه دیگر نیروهای بورژوازی اپوزیسیون نیز راه حلی ریشه ای برای نابودی فقر ندارند. اپوزیسیون پرو غرب نه تنها وعده بهبود این اوضاع را نمیدهد، بلکه چند نسل از کارگران را به جان کندن برای بازسازی سرمایه داری و "خرابیهای ناشی از عملکرد حکومت اسلامی" فرا میخواند. جریانات ملی-اسلامی اپوزیسیون مسئله فقر و گرانی را ابزاری در خدمت جنگ چنای می بینند و عموماً سیاستهای ناسیونالیستی را مطرح میکنند. برخی از جریانات "چپ رایکال" یا گسترش فقر را ابزاری در خدمت شورش و عصیان مردم علیه رژیم تلقی میکنند یا با طرح سیاستهای آنارکوپاسیفیستی از سازماندهی توده ای و کارگری علیه فقر طفره میروند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری مبارزه علیه فقر و فلاکت و گرانی را مبارزه ای حیاتی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی و جزئی از مبارزه بیوقفه برای بهبود دانی معیشت طبقه کارگر و مردم میدانند. بدرجه ای که طبقه کارگر و جنبشهای اعتراضی بتوانند حاکمیت سرمایه و رژیمشان را در تحمیل فقر و فلاکت بیشتر عقب برانند، به همان درجه شرایط برای سرنگونی رژیم اسلامی و برپایی یک انقلاب عظیم کارگری علیه وضع موجود فراهم تر میشود.

۴ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری و جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، نظام سرمایه داری را مسبب مستقیم فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی و گرسنگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن میدانند. رژیم اسلامی، حکومت مشتی کاتگستر سیاسی- نظامی و باندهای اقتصادی مافیایی است که بر تمام امکانات جامعه جنگ انداخته اند. مساله این نیست که گویا "مافیای اقتصادی" نمیگذارد دولت کارش را بکند و نتیجتاً این وضعیت پیش آمده است. این حکومت مافیایی سرمایه و اسلام در ایران است.

سران رژیم اسلامی خود از بزرگترین سران مافیای اقتصادی در ایران هستند. کارگران و مردم گرسنه در این جدال نباید به دنبالچه کشمکش و رقابت بخشهای مختلف سرمایه تبدیل شوند. کمونیسم و طبقه کارگر بر استقلال طبقاتی اش از سرمایه و جناحهای دولتی و غیر دولتی بورژوازی، بر جنبش و راه حل مستقل اش، و بر مطالبات و نیازهای فوری خود و اکثریت عظیم مردم در مقابله با این اوضاع تاکید میکند. مبارزه علیه فقر، در عین حال که مبارزه ای برای رفع نیازهای فوری کارگران و مردم است، در عین حال جبهه مهمی از مبارزه علیه حکومت و قدرت سیاسی و اقتصادی سرمایه در ایران است. این دوره ای است که بیش از هر زمان کارگر و اعتراض و مطالبات کارگری جایگاه مهمتری در سیاست و نگرش و سمتگیری سیاسی توده مردم مخالف رژیم اسلامی پیدا میکند.

۵ - مبارزه و اعتراض علیه این شرایط دهشتناک یک واقعیت انکار ناپذیر است. اعتراض و شورش علیه وضعیت موجود یکی از اشکال محتمل اعتراض در چنین وضعیتی است. اما در این شرایط مخاطراتی مبارزات طبقه کارگر و جنبش آزادی و برابری و رفاه را تهدید میکند که کمونیسم و کارگران پیشرو و سوسیالیست باید آنها را بشناسند و راه حل واقعی و عملی در مقابل آن ارائه دهند. واقعیت اینست که شورش علیه فقر و گرسنگی، بدون سازمان و بدون رهبری و بدون تشکل و آمادگی و افق روشن سیاسی در مقیاس سراسری، به تحرك و اعتراضی کور تبدیل میشود. نتیجه چنین وضعیتی، علیرغم حقانیتی که دارد، سرکوب و شکست است. ارکان سیاست و تاکتیک حزب در مواجهه با این اوضاع، متشکل کردن توده طبقه کارگر و مردم گرسنه علیه فقر و فلاکت، ترسیم افق و تامین سازمان و رهبری، بعنوان سه رکن مهم تضمین پیشروی و پیروزی است. تبدیل شورش کور به شورش آگاهانه و سازماندهی اعتراض علیه وضعیت موجود درگرو تامین این سه رکن اساسی است.

۶ - کمونیسم و طبقه کارگر باید در راس مبارزه علیه فقر و گرسنگی و وضعیت فلاکتبار اقتصادی قرار گیرند. در این مبارزه یک هدف استراتژیک ما خارج کردن کنترل پروسه تولید و توزیع کالاها و اقلام مورد نیاز پایه ای مردم از مکانیزم و تسلط بازار است. دسترسی و برخورداری از غذا و آموزش و بهداشت و سلامتی، نه یک امتیاز ویژه طبقات دارا، بلکه حق پایه ای همگان و هدف عمومی ما در این مبارزه است. هر انسانی به محض چشم گشودن به این جهان باید از تمامی نیازهای انسانی برخوردار شود. از اینرو مبارزه برای وادار کردن دولت سرمایه به دادن سوبسید به اقلام مورد نیاز زندگی مردم و تامین بیمه های اجتماعی رکن دیگر سیاست ماست. ایجاد سازمانهای توده ای علیه فقر، برگزاری مجامع عمومی کارگری در مراکز مهم تولید مواد غذایی و نیازهای مردم، برگزاری مجامع عمومی در محلات کارگری و فقر زده، سازمان دادن ایجاد شبکه های متنوع علیه گرسنگی و فقر، شرط اساسی پیشبرد چنین استراتژی و سیاستی است. باید در هر گوشه جامعه پرچمی علیه فقر و فلاکت اقتصادی برافراشت.

۷ - حزب اتحاد کمونیسم کارگری توجه پیشروان طبقه کارگر، رهبران سوسیالیست و کمونیست طبقه، فعالین اردوی آزادی و برابری و رفاه را به این اوضاع خطیر جلب میکند. حزب اتحاد کمونیسم کارگری طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به متشکل شدن و مقابله با موج فقر و فلاکت و گرانی علیه نظام سرمایه داری و حکومت اسلامی فرامیخواند!

مصوب پلنوم سوم حزب به اتفاق آرا،

ژوئن ۲۰۰۸

بزودی منتشر میشود:

در نقد سندیکالیسم در ایران

مجموعه ای از مباحثات جدلی در باره خط مشی سندیکالیستی

PUBLIC MEETING

The "Arab Spring", what do the people want?

The aspiration of the people!

What is at stake?

The role of the Islamist movement!

Democracy or socialism, which one is the solution?

Saturday 24 July 2011

Time: 14:00-16:30

De Waterval
Van Hallstraat 10
1051HH Amsterdam
Holland

Nearest station: Van Hallsraat

AZAR MAJEDI

Azar Majedi is a member of the Worker-communism Unity Party's leadership committee. She is also founder and chairperson of Organization for women's Liberation. She has written numerous articles on women's issues, social and political questions. Many of her articles have been published in various international web sites. She has been interviewed by various international media, BBC, Voice of America, International Herald Tribune, Time magazine, More 4 channel news; she has appeared on ITV, "It's my life" show on the issue of freedom of speech. Azar produces many podcasts on the net. They can be viewed on Youtube. www.azarmajedi.com



Worker-communism Unity Party - Organization abroad
www.wupiran.net

x_magid@yahoo.com tel: 0031645137004
kousha.maryam@gmail.com

کمونیسم کارگری

اصول اعتقادی و آرمان اجتماعی کمونیسم کارگری بر نقد ارکان اقتصادی و اجتماعی و فکری نظام سرمایه داری متکی است. نقدی از زاویه طبقه کارگر مزدی در این جامعه و به این اعتبار حقیقی و انقلابی. تلقی زحمتکشان و تولید کنندگان غیر پرولتر از آزادی و برابری و سعادت بشر، چه امروز و چه در جوامع پیشین، به ناگزیر انعکاسی از مناسبات اجتماعی حاکم بر جامعه و موقعیت خود آنان در رابطه با تولید و مالکیت است. تلقی برده از آزادی بناچار چندان از لغو برده داری فراتر نمی‌رفت و تجسم رعیت یا صنعتگر خرده پای شهری از برابری چیزی بیش از برابری در حق مالکیت نمی‌توانست باشد. اما، با ظهور پرولتاریا بعنوان توده عظیم تولید کنندگان فارغ از هر نوع مالکیت وسائل تولید، طبقه ای که اسارت و استثمار اقتصادی اش، دقیقاً بر آزادی حقوقی اش بنا شده است، افق آزادیخواهی و برابری طلبی از اساس دگرگون شد. پرولتاریا نمیتواند آزاد شود بی آنکه جامعه بطور کلی از مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و تقسیم طبقاتی رها شود. برابری امری نه صرفاً حقوقی، بلکه همچنین و در اساس اقتصادی - اجتماعی است.

کمونیسم کارگری جنبشی اجتماعی است که با ظهور سرمایه داری و طبقه کارگر مزدی شکل گرفت و عام ترین و عمیق ترین شکل انتقاد و اعتراض طبقه کارگر به نظام سرمایه داری و مصائب آن را نمایندگی میکند. اهداف و برنامه عملی این جنبش بر نقد مارکسیستی بنیادهای جامعه سرمایه داری معاصر، بعنوان آخرین، مدرن ترین و پیشرفته ترین شکل جامعه طبقاتی، مبتنی است.

سخنرانی آذر ماجدی در آمستردام هلند

“بهار عربی”، مردم چه میخواهند؟

نقش جنبش اسلام سیاسی،

دمکراسی یا سوسیالیسم؟ راه حل کدامست؟

برای اطلاعات بیشتر با شماره تلفن 0031645137004 تماس بگیرید.

نه به اعدام!

“آیا لازم نیست در مورد وسایل تغییر آن نظامی که تمامی این جنایات را تولید میکند، عمیقاً اندیشید؛ تا اینکه آهنگ ستایش در باره جلا د سرده‌هیم؛ همان جلادی که با اعدام یکدسته از جنایتکاران؛ جا را برای افراد بعدی باز میکند؟”

کارل مارکس

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!